



[آیه «فیومئذ یفرح المؤمنون بنصرالله»، اشاره به «منصوره» بودن زهرا\(س\) در آسمان‌ها](#)

در قرآن کریم آیاتی چون آیه «مباهله» و یا سوره مبارکه «انسان» وجود دارد که مستقیماً به خاندان نبوت و از جمله به حضرت صدیقه کبری(س) ارتباط دارد. برای نمونه در آیه مباهله، پس از آن که مسیحیان «نجران» سماجت به خرج داده و دانسته از پذیرش حقیقت سرباز زدند، امر ایشان با رسول خدا(ص) به مباهله و نفرین یکدیگر خاتمه یافت و قرار بر آن شد که هر یک از دو طرف زنان و فرزندان و جان‌های خود را، برای لعن و نفرین یکدیگر آماده کنند که رسول خدا(ص) البته از میان همه فرزندان امت فقط به حسنین (امام مجتبی(ع) و حضرت سیدالشهدا(ع)) و از میان همه زنان دخترش فاطمه(س) و از میان همه مردان به پسر عم خویش علی بن ابی طالب(ع) اکتفا کرد. مسیحیان نجران نیز که با قوم و قبیله خود آمده بودند، با دیدن این انوار مقدس که جهت مباهله گرد آمده بودند، صحنه را ترک و فرار را بر قرار ترجیح دادند و عجز و ناتوانی خود را این چنین به نمایش گزاری کردند و البته سوره «هل اتی» نیز مرتبط به نذری است که امیرالمؤمنین(ع) به اتفاق همسرش زهرا(س) و دو فرزندش امام مجتبی(ع) و حضرت سیدالشهدا(ع) و نیز بانوی بزرگواری چون «فضة» بدان وفادار ماندند که داستان آن معروف است و مشتاقان برای کسب اطلاعات بیشتر به کتب معتبر مراجعه خواهند کرد.

اما در کنار این دسته از آیات که به صراحت مربوط به خاندان عصمت و طهارت، به ویژه وجود نازنین حضرت صدیقه اطهر، فاطمه زهرا(س) است، دسته دیگری از آیات نیز وجود دارد که از حیث «تأویل» و نه تنزیل به آن بانو ارتباط دارد. برای نمونه می‌توان به آیه «فیومئذ یفرح المؤمنون بنصرالله» اشاره کرد که از حیث ظاهر و تنزیل مربوط به جنگ دو امپراطوری بزرگ ایران و روم است که ابتدا ایرانیان بر رومیان فائق آمدند، اما چند سال بعد به پیش‌بینی قرآن کریم، این رومیان مسیحی خدایپرست بودند که بر ایرانیان پیروز شدند و این پیروزی فرح و شادی مؤمنان را به ارمغان آورد.

اما همین آیه که از حیث تنزیل به جنگ ایران و روم اختصاص دارد، از لحاظ تأویل و در لسان روایات، در شمار آیاتی گنجانده شده که تأویل آن مربوط به قیامت کبری و رستاخیز است و تأویل آن هنوز فرا نرسیده است.

آیا مقصود شما آن است که حضرت صدیقه کبری(س) شفیع روز محشر است؟ اگر چنین است لطفاً اطلاعات بیشتری را در اختیار علاقه مندان و خوانندگان این گفت‌وگو قرار دهید.

اما آن‌چه که روایات بر آن صحنه می‌گذارند، آن است که این آیه؛ یعنی «فیومئذ یفرح المؤمنون بنصرالله» بیان‌گر دو تأویل است؛ تأویل اول را شادی مؤمنان به نصرت الهی زمان ظهور حجت ثانی عشر(عج) می‌داند که با آمدنش شادی و فرحی را به مؤمنان خواهد نمایاند که زداينده هر نوع غم و اندوه و حزن و ترسی خواهد بود که او به حقیقت، فجر است و حقیقت فجر که خداوند متعال به آمدنش سوگند یاد کرده است (والفجر) و او به واقع همان صبح صادق است که آمدنش دیر نخواهد بود (الیس الصبح یقرب) و ظهور پرشکوهش ظلمت و تاریکی و بی‌عدالتی را برای همیشه از بین خواهد برد.

اما تأویل دومی که حضرات معصومین(ع) برای این آیه بیان داشته‌اند، براساس روایتی است که از رسول خدا(ص) نقل شده است. از آن حضرت(ص) سؤال شد که چرا فاطمه(س) را «منصوره» نامیده‌اند؟ آن حضرت(ص) در پاسخ چنین فرمودند: «آن بانو در آسمان‌ها منصوره است و این سخن خداوند متعال است که فرموده است: «فیومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله؛ یعنی مؤمنان به روز رستاخیز و در محکمه عدل الهی به نصرت و یاری فاطمه(س) که شامل حال محبین صادق و دوستدارانش خواهد شد، شاد خواهند شد.»

منظور من دقیقاً همان است که شما به خوبی به آن اشاره کرده‌اید. البته برای آن‌که درک کامل و صحیح‌تری نسبت به موضوع شفاعت که از ضروریات مذهب تشیع است پیدا کنیم، لازم است تحقیقی فراگیر و همه‌جانبه را در این خصوص و بر پایه آیات و روایات دنبال کنیم.

اما آن‌چه که مسلم است، آن است که شیعیان و محبین امیرالمؤمنین(ع) و خاندان نبوت که در مسیر حق و صراط مستقیم و تبعیت از امامان(ع) خود که به واقع تبعیت و اطاعت از خدا و رسول(ص) است گام برداشتند، به روز رستاخیز شایسته بهره‌مند شدن از شفاعت اولیا و اوصیای خود خواهند بود و از الطاف خاصه حضرت حق استفاده خواهند کرد؛ (ان رحمة الله قریب من المحسنین).

شاید تأویل آیه «انا فتحنا لك فتحا مبینا لیغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تأخر ...» بهتر از هر آیه دیگری بیان‌گر مشروعیت شفاعت از منظر شریعت باشد؛ زیرا به واقع فتح و پیروزی بزرگ و آشکار نه فتح مکه و یا جنگ خیبر و صلح حدیبیه است که آنان نیز البته و به حسب ظاهر صحیح است، بلکه فتح بزرگ زمانی برای رسول گرامی(ص) رقم خواهد خورد که به اذن الهی و شفاعت معصومین(ع)، شیعیان آن بزرگواران از عذاب دوزخ جان به سلامت بیرون برند و بدین خاطر است که خدای متعال خطاب به پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «و لسوف یعطیک ربك فترضى»؛ یعنی آن‌قدر شفاعت تو را در حق محبین صادق و دوستداران تو و اهل‌بیت(ع) تو خواهم پذیرفت که بالاخره راضی و خشنود شوی. اما در پاسخ به سؤال شما که مربوط به شفاعت حضرت زهرا(س) است به عرض برسانم که روایت در این‌باره بسیار است که در این مختصر فقط به یک روایت اشاره می‌کنم. در روایتی که علامه مجلسی آن را نقل کرده است، آن حضرت «صاحب لواء الحمد لله» معرفی شده‌اند و منظور از آن اشاره‌ای ظریف به آیه 34 از سوره مبارکه «فاطر» است که خدای متعال از زبان مؤمنان و در صحنه قیامت چنین بیان داشته است: «و قالوا الحمد لله الذی أذهب عنا الحزن»؛ یعنی بهشتیان می‌گویند: «ستایش خدایی را که هر نوع حزن و اندوهی را از ما ببرد ...»

هر چند به حسب ظاهر گوینده این سخن همه بهشتیان و با ضمیر «و» در فعل «قالوا» معرفی شده‌اند، اما بنابر روایت، گوینده این سخن، که اذن تکلم به او داده خواهد شد، وجود نازنین و مقدس بانوی دو عالم حضرت صدیقه کبری(س) هستند که حزن و اندوه شدید ایشان آن‌گاه فروکش خواهد کرد که محبین و دوستداران و شیعیان همسرش امیرالمؤمنین(ع) را از آتش دوزخ برهانند و به بهشت برین داخل کند.

پس واضح است مقصود ما از محبین صادق کسانی هستند که همشان آن است که از پیروی حق و قرآن و سنت رسول گرامی(ص) و اطاعت آن حضرت(ص) سرباز نزنند و احیاناً

خطا و اشتباهاتی نیز در پرونده اعمال آنها ثبت شده که با امید بر خدا و به لطف الهی و به مدد صاحب شریعت رسول خدا(ص) و برادر و وصی بر حق آن حضرت، امیرالمؤمنین(ع)، اسدالله الغالب، یعسوبالدین، امامالمتقین، امامالانس و الجن أجمعین ... امیدوار به رحمت حضرت باری تعالی خواهند بود

دکتر سیدمحمد رضوی